

تبیین ساخت قدرت ساختار و کارگزار در عصر جهانی شدن

مهدی وحیدی^۱

چکیده

در این مقاله دغدغه‌های تحلیل‌گران نظام بین‌الملل جهت اصالت ساختار و کارگزار در عصر قدرت جهانی شده، مورد بررسی قرار گرفته است. جهانی‌شدن بعنوان پروسه‌ای از تحولات و دگرگونی‌های خرد و کلان، سطح تحلیل اثرگذاران و متأثران وقایع بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار داده و در حوزه سیاست این بستر را فراهم کرده تا بواسطه تکثر بازیگران بین‌المللی، انقلاب در پدیده‌های بین‌المللی مورد مذاقه قرار گیرد. از آنجائیکه کار ویژه اصلی سازه‌های جدید قدرت در عصر جهانی‌شدن، دستیابی کم‌هزینه‌تر بزرگترین قدرت‌های مادی و معنوی نظام بین‌الملل به هدف‌های از پیش تعیین شده می‌باشد، تبیین سازه قدرت بعنوان کلید راهگشای قفل‌های تحلیلی در حوزه روابط بین‌الملل در دستور کار این تحقیق بوده است. حدود تئوریک ساخت قدرت در رابطه ساختار- کارگزار با بررسی سه وجهی رویکردهای نئورئالیستی، نئولیبرالیستی و سازه‌انگاری (ونتی) صورت گرفته است. بدنبال بررسی هستی‌شناسانه پارادایم قدرت، کنش‌های پنجگانه (مادی، معنایی، فردی، اجتماعی و تاریخی) ساختار و کارگزار به ساخت قدرت نیز تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: سازه قدرت، ساختار-کارگزار، قدرت خلاقانه، سازه‌انگاری، ساخت قدرت اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، مدرس دانشگاه

مقدمه

سلطه و هدف فوری هر عمل سیاسی و جوهره سیاست بین‌الملل است. قدرت توانایی فرد یا گروه در کسب تسلیم و اطاعت دیگران در راه مقاصد و خواسته‌های خویش یا توانایی تحمیل اراده علیرغم وجود مقاومت و موانع نیز تعریف گشته است. قدرت بر قابلیت شکل دادن به رفتار دیگران و همکاری به جای اجبار و در نهایت، به ایجاد ارزشها و هنجارها تعبیر می‌شود (های، ۱۳۸۷: ۴۳). قدرت در تفاهم عملکردی با مفاهیمی همچون نفوذ، استیلاء، توانایی دگرگونی رفتاری، اقتدار، حاکمیت و ... نیز بکار گرفته می‌شود.

جهانی شدن در حوزه مفهومی با تفاسیر و تعبیر تقلیل‌گرایانه‌ای عجین شده است. مشروعیت‌زدایی بازیگران غالب بین‌المللی و قلمروزدایی اوج تعاریف جهانی شدن را در بر می‌گیرد. جهانی شدن از منظر دیوید هلد، مجموعه فرآیندهایی است که تجلی‌بخش دگرگونی ساختار مکانی مناسبات اجتماعی است که خود این مناسبات بر حسب گستردگی، شدت، سرعت و اثرگذاری ارزیابی می‌شوند و شبکه‌های منطقه‌ای و بین منطقه‌ای و فرا قاره‌ای را از فعالیت، تعامل و اعمال قدرت پدید می‌آورد. جهانی شدن گسترش شبکه‌های عمل و معنای اجتماعی در سراسر فضای جهانی است. مکان‌مندی و زمان‌مندی ویژگی جهانی شدن است. جهانی شدن به فراگیری رویه‌ها، اندیشه‌ها، هنجارها در روابط بین‌الملل اطلاق می‌شود. جهانی شدن را در تعبیری مضیق به تشابه ارزش‌ها و هنجارهای رفتار ساز مردم کره زمین نیز می‌گویند. برخی

یکی از مهم‌ترین صورت‌بندی‌های حاکم بر روابط بین‌الملل نقش و جایگاه سازه قدرت در روابط بین ساختارها و کارگزاران نظام بین‌الملل می‌باشد. این تعامل و تقابل در طول تاریخ روابط بین‌الملل دستخوش تحولات ژرف و پیچیده‌ای گردیده است. جهانی شدن در حوزه سیاست به مثابه پروسه نضج برداشت‌های نوین و بازتشریح روابط بین کنشگران بین‌المللی، اثرگذاری غیرقابل کتمان در روابط ساختار-کارگزار^۱ از خود بر جای گذاشته است. بررسی روش‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی رابطه ساختار-کارگزار در سیر تطور اندیشه سیاسی با چهار دوره مناظرات تئوریک روابط بین‌الملل در دستور کار نظریه‌پردازان سیاست بین‌الملل قرار داشته است.

قدرت از دیدگاه نظریه‌پردازان حوزه سیاسی دارای درجه‌های مختلفی بوده است. قدرت به تلاش موجودیت‌ها برای استفاده از فرآیندها، روابط، وضعیت‌ها و به منظور تأثیرگذاری بر دیگران قلمداد شده است (مک فرسون و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۷). قدرت نوعی توزیع توانمندی‌هاست. قدرت نوعی رابطه است که بطور قطع دارای شرایط پایش زمینه‌ای نیز می‌باشد (همان، ۳۷). قدرت را به توانایی اعمال اراده انسان بر ذهن‌ها و اعمال دیگران تعریف کرده‌اند. زمانی که کشوری توانایی، اراده و ظرفیت لازم را در اختیار دارد و در پرتو آن می‌تواند، اهداف و ارزش‌های حیاتی خود را حفظ، توسعه و تعمیق بخشد، در واقع آن کشور از قدرت ملی برخوردار است. قدرت نتیجه میل به

^۱ Agency-Structure



تلفیق اصول رئالیستی بر مبنای همکاری لیبرالیستی و رفتارهای هنجاری بر سازه می‌باشد. تئوری‌های جهان وطن‌گرایانه ساخت قدرت نیز از اضمحلال اندیشه‌های مطلق‌گرای تک‌بعدی و نضج تفکرات تلفیقی و نسبی حاصل می‌شود. حاصل اجتماع سه پارادایم نئورئالیستی، نئولیبرالیستی و سازه‌نگاری تکامل تدریجی رفتارهای عقلانی کارگزاران و تشکیل تئوری ساختاری نظام بین‌الملل می‌باشد. این تئوری ساختارمند قادر خواهد بود چهارچوب بهتری از اقدام کارگزاران عصر جهانی‌شدن ارائه نماید. ساخت قدرت جهانی شده، تصویرگر مفاهیم جایگزینی نسبت به ساخت سنتی قدرت است که خطوط پارادایمیک جدید لقب خواهد گرفت (Gallarotti, 2010: 266).

نئورئالیسم‌ها نظام بین‌الملل را متشکل از مجموعه تعاملات کارگزاران و یک ساختار می‌دانند. ساختار سیاسی نظام بین‌الملل بر اساس عملکرد کارگزاران شکل می‌گیرد. اصول صورتبندی ساختارها اصل نظم دهنده، اصل سرشت واحدها، اصل توزیع توانایی‌ها می‌باشد. بر اساس دیدگاه نئورئالیسم اصل سرشت واحدها مبتنی بر خودیاری و اصل نظم‌دهنده ساختارها نیز مبتنی بر نظم آناشیک می‌باشد. تنها اصل تعیین‌کننده و متحول ساختار، توزیع توانایی بین کارگزاران است. توزیع توانایی‌ها یا همان منابع قدرت از سوی ساختار بین کارگزاران موجود صورت می‌گیرد، در صورتیکه در دیدگاه نظام جهانی توزیع توانایی‌ها و منابع قدرت از سوی ساختار عامل ایجاد کارگزاران است.

نئولیبرالیسم‌ها بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل را دولت فرض می‌کنند، از اینرو می‌توان در بخش‌هایی از این تئوری شاهد تأکید اصالت کارگزار بر ساختار باشیم. از سویی دیگر

نظریه‌پردازان حوزه روابط بین‌الملل در تفسیر جهانی‌شدن تلویحاً این تصور را تصدیق می‌کنند که اگر موتور بخار ما را به انقلاب صنعتی رساند، انقلاب اطلاعات و فن‌آوری نیز ما را به جهانی‌شدن رسانده است (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۲۶).

در حوزه بررسی رابطه ساختار و کارگزار در حوزه بین‌المللی اختلافات تئوریک جدی وجود دارد. نگرش خردگرایان و سازه‌نگاران در دو مسیر تحلیلی متفاوت می‌باشد. فردگرایان و کل‌گرایان در اینکه کارگزاران و ساختارها به یکدیگر وابسته‌اند، اختلاف نظری ندارند. اختلاف‌های تئوریک در این حوزه بیشتر به نحوه وابستگی و چگونگی این وابستگی متقابل کارگزاران و ساختارها باز می‌گردد. نوع نگاه و سطح تحلیل پدیده‌ها در روابط بین‌الملل مناظرات ساختار-کارگزار را رقم زده است (ونت، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

مبانی تئوریک

تئوری‌های ساخت قدرت در بستر اندیشه دارای تکثرند. تئوری نسبتاً مقبول عصر جهانی‌شدن جهت تفسیر ساخت قدرت، تئوری جهان وطنی است. تئوری جهان وطنی ساخت قدرت، محدود به یک موضوع و حیطه خاص صادر می‌شود، اما موفقیت در همان محیط خاص جهت تعیین ساخت قدرت، الهام‌بخش است. امروزه بررسی ساخت قدرت در عرصه‌های مختلف بین‌المللی علی‌الخصوص در حوزه تعاملات کارگزاران و ساختارها بر اساس ایده‌های جدید اتصال تئوری‌های جهان وطن‌گرایانه از قدرت شکل می‌گیرند. اتصال تئوری‌های نئورئالیستی، نئولیبرالیستی و سازه‌نگاری، ساختار تئوری‌های ساخت قدرت را شکل خواهند داد. اصول پایه‌ای منابع قدرت در عصر جهانی‌شدن

سازهانگاران به رابطه ساختار و کارگزار، اصالت به یک رابطه دوسویه و اثر متقابل می‌باشد. در نگرش برسازی ساختارهای نظام بین‌الملل، ساختارهای ذهنی هستند. ساختارهای بین‌المللی در منظرگاه سازهانگاران با هویت‌ها و منافع نقش بسته و اصول استدلالات عقلی صرف، جایگاه کم‌اهمیت‌تری را در این نگرش به خود اختصاص داده است (Lim, 2011: 10).

ساخت قدرت در عصر جهانی شدن

مارتین گریفیتس در دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهانی، قدرت در حوزه سیاست را به هنر ممکن بازتفسیر نموده و قدرت را ناظر برخلاف واقعیت می‌داند. وی در تبیین خلاف واقع بودن قدرت، بازیگرانی که توانایی انجام کاری در حوزه بین‌المللی را ندارند، مقصر نمی‌داند؛ بلکه مدعی است قدرت، ناظر برخلاف واقع است و این خلاف واقع بودن قدرت یعنی ناظر بر چیزهایی است که می‌توانستند به صورتی غیر از وضع موجودشان باشند، لذا استناد به قدرت ایجاب می‌کند که چگونگی و چرایی رخدادهای بین‌المللی را توجیه نمائیم (گریفیتس، پیشین: ۷۴۱). از اینرو در عصر جهانی شدن براساس امر خلاف واقع بودن قدرت، باید در توجیه چگونگی جهانی شدن قدرت بمنظور کشف ارتباط علی ساختار-کارگزار گام برداریم. براساس تجزیه و تحلیل‌های واقع‌گرایانه و مبتنی بر آمارهای اقتصادی، اولین دوران جهانی شدن در سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۶۵ میلادی و بمنظور رفع تعارضات بین‌دولتی شکل گرفته است. این نقطه عطف و آغاز رفع وابستگی به تعرفه‌ها بوده است. سرچشمه اولیه شکل‌گیری مزایای ملی

نئولیبرال‌ها مدعی ضرورت ایجاد ساختارهای اثرگذار، در راستای تحقق ایده‌آلهایی چون حق تعیین سرنوشت، آزادی‌های فردی و جمعی، عدالت اجتماعی، ایجاد حقوق و مسئولیت‌های بین‌المللی، تجارت آزاد و ... می‌باشند. نئولیبرال‌ها به ضرورت وجود رابطه دو طرفه‌ای بین ساختار و کارگزار نیز اعتقاد دارند. لیبرال‌ها با تأکید بر اهمیت کارگزاران، خواهان ظهور ساختارهای اثرگذار برای شکل دادن به رفتارهای کارگزاران می‌باشند.

تمرکز بر روی سازه‌گرایی یعنی توجه به آگاهی‌های کارگزاران در کنار هوشیاری و آگاهی داشتن نسبت به ساختار جهانی است. بسیاری از تئوری‌های روابط بین‌الملل خاصه نئورئالیسم‌ها، مادی‌گرا هستند. تمرکز بر نحوه و چگونگی توزیع قدرت، اغلب مادی است. تعریف توازن قدرت بین دولت‌ها و تعبیر و تشریح رفتار دولت‌ها نیز اغلب مادی است. سازهانگاران از یکسو با تمرکز بر رد نگاهی مادی و نقش‌بندی نگرش معنایی و اجتماعی ساخت جدیدی از سازه قدرت ترسیم می‌کنند. به نظر سازهانگاران ساختار نظام بین‌الملل خارج از اینجا نیست. آن ساختار تنها در آگاهی‌های بین‌الذهانی افراد موجود است. این یک احساس است. سیستم بین‌الملل تشکیل شده عقاید است و نه نیروهای مادی. سیستم بین‌الملل مخلوق بشر است. این سیستم صرفاً دارای سازه فیزیکی و مادی نمی‌باشد، بلکه پایه‌های این سیستم از نوعی ذهنیت، معنویت و عقلانیت سرچشمه گرفته است. سازهانگاران معتقدند واقعیتی که ما را احاطه کرده، تولید شده انحصاری نیروهای وابسته و مادی نیست بلکه دائماً از برداشت‌ها، ادراکات، عقاید، هنجارها، ارزش‌ها و عملکردها تولید می‌شود. نگرش



ثقل ایجاد ساختارها و سیستم‌های اجتماعی ممکن می‌شود.

ساخت نرم از قدرت در بستر جهانی شدن شکل گرفت. منابع عمده ساخت قدرت نرم، رسانه و فرهنگ عمومی می‌باشند. درون‌دادهای ساخت قدرت نرم با ارزش‌های فرهنگی کارگزار، فرهنگ ساختارها، خط‌مشی‌های کارگزار-ساختار در پروسه جهانی شدن عینیت یافته‌اند. ساخت قدرت نرم در واقع از جذابیت‌های فرهنگی کارگزاران و ایده‌آل‌های ساختاری هستند که واقعی اما نامحسوس و غیرعینی‌اند. موفقیت در بهره‌برداری از ساخت قدرت نرم بستگی به اعتبار بازیگران و کارگزاران در ساختار نظام بین‌الملل و بهترین نحوه استفاده از دیپلماسی را در بین کارگزاران بین‌المللی دارد. اگرچه ساخت قدرت نرم نمی‌تواند به سرعت ساخت قدرت سخت عمل کند اما هزینه‌های گران ساخت قدرت سخت را نیز در بر ندارد (Wijayabahu, 2014: 4). قوی‌ترین کارگزار بین‌المللی جهت کسب ساخت هوشمند از قدرت باید بر قلبها و ذهن‌ها فائق آید. ساخت قدرت هوشمند درباره کسب منافع ماهرانه و تاکتیکی است. تلفیق ساخت نرم و قدرت سخت موجب بروز ساخت قدرت هوشمند می‌گردد. گنجایش و دربرگیری دقت عملیات تاکتیکی و ماهرانه بر روی ساخت قدرت هوشمند استوار است که مستقیماً بر روی ساختارها (اتحادها، نظم‌ها و ...) اثر می‌گذارند، موفقیت قدرت هوشمند در ورود به میدان نبرد ایدئولوژی‌ها است (Skinner, 2011: 25).

منضبط اکثر کشورها در حوزه سیستم بین‌الملل از سال ۱۸۶۵ میلادی شکل گرفت. هویت این موضوع بصورت امری مسلم پذیرفته شده بود، تا اینکه این دوره تاریخی از جهانی شدن در سال ۱۹۱۴ با شروع جنگ جهانی اول پایان گرفت. بحث‌ها و گفتگوها بین تجارت و تعارض در قرن ۱۹ میلادی عموماً متمرکز بر مسائلی مشابه با امروز بوده است. یعنی تجارت بین دولت‌ها و کشورها بسرعت جاری شد، اما این سؤال برجاست که چرا جهانی شدن از مانع شدن بر سر شکل‌گیری جنگ جهانی اول باز ماند؟ (McDonald and Sweeney, 2007: 370). جهانی شدن پروسه‌ای است که بوسیله روان‌سازی و گسترش ارتباطات در حوزه خدمات، افراد، کالا، پول، اطلاعات، فرهنگ ظهور و بروز داشته است. در این دوران ما چگونه نقشه روابط قدرت بازیگران متفاوت هم عصر را شکل می‌دهیم؟ برای درک بهتر باید از روابط اولیه قدرت و نحوه تأسیس و شکل‌گیری آنها شروع کنیم. آنتونی گیدنز هم جهت با این موضوع در سه محور ساخت‌بخشی^۱، دانش-محوری^۲، بافتارمندی^۳ بحث خود را ارائه نموده است (Graaf & Hlawatsch, 2014: 14). مهم‌ترین بخش این سه حوزه، دانش محوری است. چه چیزی در نقش ارتباطات جمعی و تحول دینامیک قدرت نهفته است؟ تجمع اطلاعات پیش‌نیاز بدست آوردن دانش در مکانیزم یک جریان است که توانایی نفوذ و قدرت هوشیارانه و آگاهانه را افزایش می‌دهد. این امر بوسیله در اختیار داشتن عمل و کردار انسان‌ها در مرکز

¹ Structuration

² Knowledgeability

³ Contextuality

خارجی، تقدم دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی یکی از شالوده‌های قدرت هنجاری در اتحادیه اروپا می‌باشد (Whitman, 2011: 5). تعابیر متنوعی از قدرت هنجاری ارائه گردیده است. قدرت هنجاری ای اچ. کار یعنی عقیده، قدرت هنجاری گالتونگ^۱ یعنی ایدئولوژی و قدرت هنجاری منرز^۲ به معنی شکل‌بندی مفاهیم نرمال است (Manners, 2002: 240). ایجاد توازن بین قدرت هنجاری و قدرت نظامی در عصر جهانی شدن یک ضرورت است. معنای این ضرورت ایجاد توازن بین ارزش‌ها و سلاح‌ها است. تلفیق چشم‌اندازهای تئوریک و چشم‌اندازهای اجرایی و عملی به گسترده شدن قدرت هنجاری یاری می‌رساند. گام نخست عینیت‌بخشی به قدرت هنجاری در روابط بین‌الملل پیمایش اصولی است که در درک شکل هنجاری از قدرت کاربرد دارد (Whitman, Ibid: 233).

قدرت در عصر جهانی شدن به آسانی بدست می‌آید اما بکارگیری آن با دشواری‌هایی همراه گردیده است. امروزه احتکار قدرت در حوزه‌های مختلف امکانپذیر نیست. انواع قدرت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در اختیار تعداد بیشتری از بازیگران قرار دارد. در واقع عوامل سه‌گانه تکرر، تحرک و انقلاب عقلانیت موجب نزدیکی قدرت به خط پایان گردیده‌اند. این سه عامل مانع رسیدن قدرتمندان به توانایی‌های سابق است. کثرت در همه چیز اعم از جمعیت، شهروند متمدن، سرمایه، تجارت، مهاجرت، شبکه‌های اجتماعی، صنایع و ... قابلیت کنترل منابع قدرت

امروزه با ظهور رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، نقش مسلط سیاست‌های رسانه‌ای در ایجاد و رفع بحران مشروعیت ساختارهای بین‌المللی برای همه بازیگران امری مورد قبول است. رسانه‌های جمعی پیشرفته گریزگاه کارگزاران بین‌المللی از زیر اعمال اراده ساختارهای بین‌المللی گردیده‌اند. در تولید فرهنگ‌های سیاسی جدید نقش رسانه‌های خرده‌گرای، نقشی بی‌بدیل است. شکل جدید و فوق‌العاده‌ای از ارتباطات مربوط به فرهنگ و تکنولوژی از جامعه شبکه‌ای در دوران جهانی شدن بروز کرده است که تحت عنوان «خود ارتباطی توده‌ای» نامیده می‌شود. در عصر جهانی شدن خود ارتباطی جمعی در بین اقوام، اقلیت‌ها، مذاهب، فرهنگ‌ها، شهروندان جهانی، نژادها، شخصیت‌های مختلف محلی و منطقه‌ای و جهانی زمینه ظهور کارخانه‌های هنجارسازی جهانی به دور از دستورالعمل ارزشی ساختار نظام بین‌الملل را مهیا نموده است (Manuel Castells, 2007: 243).

آثار جهانی شدن بر مفهوم قدرت در حوزه روابط بین‌الملل موجب پیوند علی مضاعف بین ادله اثباتی پدیده‌ها شده است. در این دوران عدم وجود زور و اجبار در یک موضوع و پدیده بین‌المللی به معنای عدم اعمال قدرت نمی‌باشد. یکی از ظرفیت‌های عینی قدرت در دوران جهانی شدن شاخص هنجاری قدرت است. قدرت هنجاری، قدرتی است که مفاهیم را به شکل عادی و نرمال برای دیگران شکل‌بندی کند. بعنوان مثال پیگیری دموکراسی، دستور کار قواعد و قانون‌ها، عدالت اجتماعی، حقوق بشر، سیاست

¹Galtung

²Manners



خرد را فرد، رهبر، بازیگران خصوصی و شاخص‌های بازیگری در سطح کلان را دولت، سازمان‌های فراملی، خرده گروه‌ها، جنبش‌ها، رژیم‌های بین‌المللی تشکیل می‌دهند. برای درک جایگاه تحلیل، باید بین بازیگران ملموس و ساخته‌های تحلیلی ما از بازیگران بین‌المللی تمیز قائل باشیم، چرا که در تنش روش‌شناسانه بر سر اقتباس بازده کلان از مشاهدات خرد، ظرافت‌های جانمایی بازیگران دارای اهمیت است. بدلیل سیال بودن، تنوع‌پذیری و تبدیل‌پذیری سطح خرد و جابجایی سطوح تحلیلی در روابط بین‌الملل شاهد دگرگونی برداشت‌ها و عدم توازن شناختی در ترکیب‌بندی ثابت از سطوح تحلیلی می‌باشیم. ارائه تحلیل‌های استقرایی یا قیاسی مبتنی بر گرایش‌های فکری نظریه‌پردازان در اهمیت دادن به سطوح تحلیلی خرد یا کلان از جمله برآیندهای برجاماندن مناظره ساختار و کارگزار بوده است.

کنش ساختار و کارگزار به ساخت جهانی قدرت (الف) کنش مادی

رنالیسم ساختاری بعنوان یک نظریه مادی‌گرا سیاست جهانی را در دو سطح کارگزار (دولت) و ساختار (نظام بین‌الملل) دسته‌بندی می‌کند. یکی از راه‌حل‌های نظریه‌پردازان مادی‌گرا جهت رفع اختلافات تحلیلی نگرش کارگزارمحور یا ساختارمحور، ارائه سطح تحلیل تجمیعی است. در این رویکرد سطوح تجمیع براساس قالب، ساختار، واحدها، انگیزش‌ها و میزان اثرگذاری سطح خرد و کلان بازتعریف می‌گردد. در این سطح تحلیل واحدهای بین‌المللی که کمترین اثرگذاری و فراگیری را داشته باشند، خردترین بازیگران قلمداد می‌شوند. در واقع تمایز بین خرد و کلان نوعی نگرش تقابلی میان بی‌تأثیرترین و اثرگذارترین

را از میان برده است. این تکثر در موضوعات در حال تحرک هستند. حرکت این موضوعات متکثر خودش مانع دیگری در کنترل‌شوندگی قدرت است. انواع گروه‌های تروریستی، افکار و عقاید، شاخص‌های رشد و توسعه و در حال حرکت هستند. قدرت‌ها امروز تنها مجاز به حرکت از مسیرهای مشخص هستند. در اثر تکثر و تحرک موضوعات بین‌المللی انقلابی در حوزه عقلانیت ایجاد شده است. این انقلاب تحول عظیمی در ارزش‌ها، انتظارات، سنت‌ها و آرمان‌ها ایجاد کرده و به تغییر شیوه تفکر منجر گردیده است. قانع کردن مردم در چهارچوب قدرت نظام بین‌الملل کار بسیار دشواری است. اگر نحوه اکتساب، انتفاع و از دست دادن قدرت را درک کنیم باید به نحوی در باب قدرت گفتگو کنیم که مبهم، بزرگنمایی شده و گمراه‌کننده نباشد (Naim, 2013: 21).

تعامل و تقابل میان ساختار و کارگزار یکی از مناظرات عینی و ذهنی در حوزه روابط بین‌الملل است. برای کشف و پیمایش این مناظره باید تجزیه و تحلیلی دقیق از چهارچوب‌های مفهومی، رفتاری و کارکردی این دو بخش ارائه نمائیم. باید ابعاد پیوند این دو حوزه کاملاً شناخته شوند. تحصیل علم نسبت به رابطه ساختار و کارگزار در ساخت جهانی قدرت نیازمند تلفیق نگرش‌ها و رویکردهای تحلیلی و بررسی هم‌زمان ساختارها و کارگزاران بعنوان اجزاء انتزاعی و کل‌های عینی می‌باشد.

سطح‌بندی مرسوم در بین بازیگران بین‌المللی در دو بخش خرد و کلان صورت می‌گیرد. شاخص‌های بازیگری در سطح

واحدها در منشأ سیاست جهانی است (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۱۶). در سطح تجمیع، نگرش خرد و کلان به بازیگران بین‌المللی از پیش تعیین شده نمی‌باشد. نقش‌ها سازا و شکل‌گیرنده هستند. نقش‌های بازیگران تدوین شده و جایگاه بازیگران تعیین شده نمی‌باشد. بازیگران بین‌المللی به میزان اثرگذاری در پدیده‌های بین‌المللی در دو طیف خرد و کلان دسته‌بندی می‌گردند. ابزارهای سیاست خارجی و اعمال قدرت برای همه کارگزاران مشابه هستند. این ابزارها در شاخه‌های قدرت نرم و سخت و هوشمند در واقع یک ذهنیت آکادمیک می‌باشند. ساده‌سازی تحلیلی این ذهن آکادمیک توجه به شاخص‌های ویژه آنها در حوزه‌های

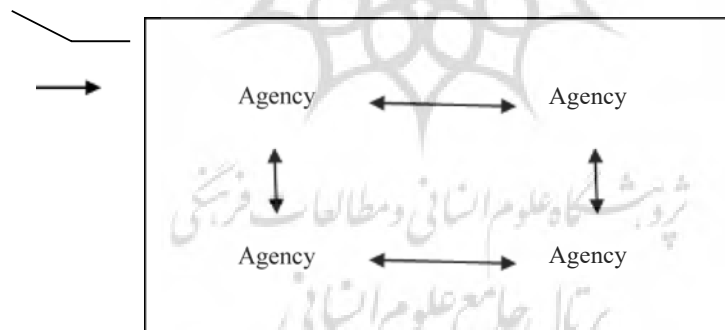
دیپلماتیک، اقتصادی، ایدئولوژیک و نظامی می‌باشند. پروژه بحران اقتصادی ۲۰۰۸ در اروپا و آمریکا در واقع اعلام نیاز و اطمینان به سایر اثرگذارهای الگوهای قدرت در روابط بین‌المللی است (Duarte, 2013: 10).

در کنش مادی ساختار و کارگزار به ساخت جهانی قدرت شاهد تحلیل کلان به خرد هستیم. در واقع کنش مادی همراه با اثر ساختار به کارگزاران نظام بین‌الملل می‌باشیم. ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل متأثر از ساخت نظامی و قدرت سخت در عصر جهانی‌شدن می‌باشد.

نمودار (۱) رابطه ساختار و کارگزار با ساخت مادی قدرت در عصر جهانی‌شدن را نمایش می‌دهد.

نمودار شماره ۱

Structure



هویت‌ها به موضوعات بین‌المللی از سوی معناگرایان، شاهد تحول در بافت تحلیلی نسبت به شاخص‌هایی چون منافع، قدرت، برداشت، شناخت و ... در نظریه‌پردازی سیاسی بوده‌ایم. نقطه پیوند ساختار و کارگزار در نگرش معناگرایان مسئله شناخت است. با ظهور متغیر جدید در سنجش قدرت، شناخت مشترک اجتماعی افراد یا همان فرهنگ شکل گرفته است.

ب) کنش ذهنی / معنایی

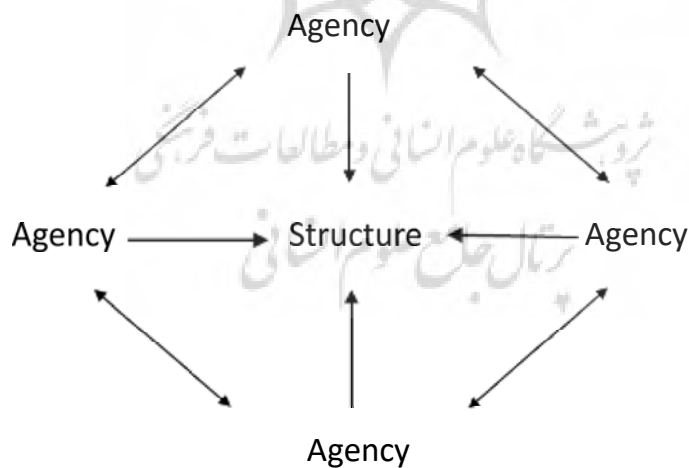
در رویکردی متفاوت نسبت به رابطه ساختار و کارگزار، نظریه‌پردازان معناگرا دست به بازتفسیر از مفهوم ساختار در روابط بین‌الملل زده‌اند. معناگراها شرایط مادی، منافع و انگاره‌های معنایی را از عناصر اصلی ساختار قلمداد کرده‌اند. از منظر آنها انگاره‌های معنایی عامل اصلی تعیین‌کننده منافع و واقعیت‌های مادی هستند. با ورود بحث ارزش‌ها و

مؤثرند و دگرگون می‌شوند. کارگزاران نیز تماماً تحت تأثیر عملکرد ساختارها قرار دارند. ولی تمام ساختارهای خرد و کلان در فرآیندها عینیت می‌یابند (ونت، پیشین: ۲۷۰). در کنش ذهنی و معنایی ساختار و کارگزار به ساخت جهانی قدرت شاهد تحلیل خرد به کلان هستیم. با کنش ذهنی و معنایی شاهد اثرگذاری کارگزاران به ساختارها می‌باشیم. ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل متأثر از ساخت فکری و قدرت‌نرم در عصر جهانی‌شدن می‌باشد. در واقع این کارگزاران هستند که در ساخت ذهنی و قدرت‌نرم ساختار نحوه عملکرد آن را می‌سازند.

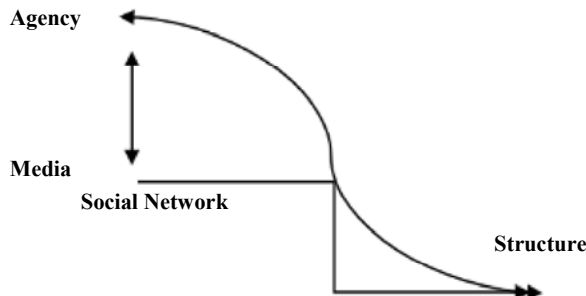
نمودار (۲) رابطه ساختار و کارگزار با ساخت معنایی قدرت در عصر جهانی‌شدن را نمایش می‌دهد.

معناگرایی جهت رفع پریشانی تحلیلی ساختار و کارگزار در عصر جهانی‌شدن، با یک صورتبندی فرآیندی با بهره‌گیری از نگاه داخل به بیرون، راه‌حلی تحت عنوان نظریه‌های تعامل ارائه نموده است. در نظریه‌های تعامل رابطه کارگزار و ساختار در ساخت جهانی قدرت، برخلاف رویکردهای مادی‌گرا همچون رابطه مغز و ذهن، دو خرد و کلان جدایی‌ناپذیر نگریسته می‌شوند که هیچ یک گرفتار شیء گشتگی نگردیده‌اند. نظریات تعامل در تبیین رابطه ساختار و کارگزار، درخصوص فرآیندی از تعامل تکوینی و تعامل علی سخن می‌گویند. بدینسان توزیع شناخت ساختار در هر زمان و مکانی وابسته به خواست و کنش کارگزار است و در صورتبندی علی هم، ساختارها به کارگزاران وابسته‌اند. ساختارها بدلیل کارگزاران و رویه‌های آنها وجود دارند،

نمودار شماره ۲



نمودار شماره ۳



د) کنش اجتماعی

در ساخت جهانی قدرت مکانیزم مسئولیت‌پذیری جدیدی تحت عنوان قدرت نرم مذهبی ظهور داشته است. با گسترش قدرت نرم در ساخت جهانی قدرت در اواخر قرن ۲۰ میلادی حرکتی از همگرایی بین اقتصادهای ملی بواسطه سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تحولات تکنولوژیک، تجارت بین‌الملل و مهاجرت را شاهد بوده‌ایم. نقش آفرینی سازمان‌های غیردولتی مذهبی، بعنوان کارگزاران جدید سیستم بین‌الملل در حاشیه این تحولات شکل گرفته است. اثرگذاری قدرت رهبران مذهبی در تحولات بین‌المللی یک شاخص قدرت اجتماعی می‌باشد. برخی از این رهبران حاکمان بدون حکومت هستند. در ساخت جهانی قدرت تمایز بین رهبران قابل بررسی است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ روند تأثیرگذاری مذهب در ساخت قدرت جهانی رو به تزاید بوده است. تا قبل از سال ۲۰۰۵ بیشتر رهبران جهان را کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها تشکیل می‌دادند اما از سال ۲۰۰۵ تاکنون رهبرانی از اسلام، هندو، یهود، بودایی و ... وارد قدرت سیاسی شده‌اند. ۷۰ کشور در دنیا توسط ۶۰ رهبر مذهبی مدیریت می‌شوند. قدرت اقتصادی و

ج) کنش فردی

برای درک ساخت قدرت در عصر جهانی شدن باید برای خردترین کارگزار بین‌المللی که همانا فرد باشد حق استدلال و تعقل قائل باشیم. قاعده تبدیل‌پذیری قدرت در عصر جهانی شدن نیز این امکان را به خردترین کارگزار بین‌المللی می‌دهد تا قدرت خود را از بالقوه به بالفعل و از حوزه ذهنی به عینیت تبدیل سازد. تحلیل‌های گذشته‌گرا دارای بحث‌های مستدل مستحکمی بوده‌اند. افکار عمومی که قالب تجمعی افراد را شکل می‌دهند، در اعمال سیاست‌های قویترین کارگزار نظام بین‌الملل اثرگذار هستند. ایالات متحده آمریکا با در دست داشتن بالاترین سطح شاخص‌های تفوق، تحت تأثیر افکار عمومی جهانی دست به تغییرات رفتاری و عملکردی خود می‌زند. فرضیات افکار عمومی در سیاست‌های آمریکا بسیار حائز اهمیت و اثرات پیش‌بینی‌شده آن در سیاست‌های آمریکا بسیار با اهمیت هستند (Goldsmith and Horiuchi, 2012: 581).

در کنش فردی ساختار و کارگزار به ساخت جهانی قدرت شاهد تحلیل جزء به کل هستیم. در واقع کنش فردی همواره اثر کارگزاران به ساختار نظام بین‌الملل را همزمان با شاخص‌های نوین قدرت خرد (رسانه، شبکه‌های اجتماعی، سرمایه و ...) نشان می‌دهد. ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل متشکل از ساخت قدرت نرم با نقش بازیگران جدید و متکثر حوزه بین‌المللی می‌باشد. نمودار (۳) رابطه ساختار و کارگزار با ساخت فردی قدرت در عصر جهانی شدن را نمایش می‌دهد.



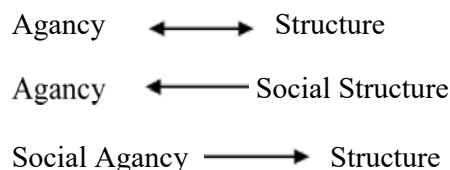
ادامه دارد و بر جنگ‌های ویدیویی احاطه کامل دارد (Ibid, 67).

رسانه‌های جمعی بعنوان یک کارگزار در ساخت جدید قدرت اجتماعی ایفای نقش می‌نمایند. سطح تحلیل بسیاری از افراد و رهبران و دولت‌ها و سایر بازیگران سنتی و جدید حوزه روابط بین‌الملل متأثر از این کارگزار جدید حوزه بین‌المللی می‌باشد. این کارگزار بین‌المللی تنها محتوای سیاسی تولید نمی‌کند. بلکه به اتخاذ تصمیم سیاسی سلسله مراتب هم کمک می‌نماید. نمی‌توانیم مدعی شویم اعتقادات سیاسی ساختارهای بین‌المللی از رسانه‌های جمعی شکل می‌گیرد ولی قطعاً رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی و ایجاد فرضیات ذهنی کارگزاران و ساختار نظام بین‌الملل نقش مهمی ایفا می‌کند (Ibid, 111).

در کنش اجتماعی ساختار و کارگزار به ساخت جهانی قدرت، شاهد غلبه تحلیلی خرد یا کلانی هستیم که سازنده ساخت قدرت اجتماعی است. در واقع کنش اجتماعی همواره به کارگزار یا ساختاری دارنده قدرت سازنده هویت‌ها و موقعیت‌ها تأکید می‌کند. در کنش اجتماعی به ساخت جهانی قدرت، عامل موثر کارگزار یا ساختاری است که مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های مشترک بین‌المللی شکل گرفته و عمل می‌کند.

نمودار (۴) رابطه ساختار و کارگزار با ساخت قدرت اجتماعی در عصر جهانی‌شدن را نمایش می‌دهد.

نمودار شماره ۴



نظامی تنها در G8 و G20 کاملاً حاکم است، اما در ۱۸۲ کشور دیگر عضو سازمان ملل متحد قاعده صرفاً اقتصادی و نظامی حاکم نمی‌باشد (Steiner, 2011: 6).

در نگرشی تعاملی و معناگرا نسبت به کنش کارگزار-ساختار در سیاست جهانی قدرت نقش آفرینی مذهب بعنوان کارگزاران اجتماعی و ساختارسازان نوین قلمداد می‌شوند. بستر عمل کارگزاری مذهب بعنوان شاخص‌های جدید سیاست قدرت ساختاری با قواعد متناسب این کارویژه خواهد بود. جایگاه اصلی این کارویژه‌ها نیز شاخص اجتماعی از قدرت می‌باشد. در قدرت اجتماعی سیاست بین‌الملل محدودیت‌های ذاتی وجود دارد. قدرت اجتماعی ممکن است تحت تأثیر انتخاب‌های حاکمیتی باشد. هرچند بیشتر عوامل وجودی قدرت اجتماعی در نظام بین‌الملل در سیاست‌های محیطی و سپس تصمیم‌گیران سیاسی، مذهبی و رسانه‌ای خلاصه می‌گردد. قدرت اجتماعی حتی بصورت ذهنی هم توسط دولت‌ها شکل نگرفته است. بهترین روش اداره کردن مسائل بین‌المللی، شکل‌بندی از قدرت چندجزئی و ارائه بسته‌های چندبخشی از قدرت در سیاست بین‌الملل است. قدرت اجتماعی از سوی کارگزاران قدرتمندی همچون آمریکا، اروپا و ... همچنان باورنکردنی است، چرا که تحلیل حمایتی دائم این کارگزاران قدرتمند،

لوله تفنگ و قدرت نظامی آنها می‌باشد (Vanham, 2010: 20). باربر می‌گوید: حاکمیت قدرت و اقتدار در ساخت جهانی آنارشیک، رشد و آگاهی است. قدرت اجتماعی در غرب نفوذ اقتصادی و برند بودن است. آمریکا بعنوان قویترین کارگزار نظام بین‌الملل در همه جنگ‌های واقعی قهرمان همیشگی نیست اما برنامه‌های رسانه‌ای آن

ه) کنش تاریخی

آمریکای لاتین که در طول تاریخ تحت سیطره صاحبان منابع بزرگ قدرت قرار داشتند، در تعقیب ثبات و آزادی‌های اولیه خود سرگردان بوده‌اند.

عدم وجود ثبات؛ مردم مناطق خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین را به سمت ارتش و نیروهای نظامی بمنتظور ایجاد ثبات سوق داده است. حرف اصلی کنفرانس سه قاره‌ای هاوانا در ژانویه ۱۹۶۶ ایجاد مسیر جدید مخالفت با ساختار و صاحبان منابع قدرت بود. برای نخستین بار جنبش‌هایی از سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ائتلافی علیه اعمال اراده آمریکایی ایجاد نمودند (Barcia, 2009: 213). این نشست موجب بروز جنبش‌های چریکی در آمریکای لاتین و آفریقا گردید. در آفریقا ابتدا گینه بیسائو و سپس زیمبابوه و موزامبیک مسیر اعمال اراده صاحبان قدرت را با استقلال سیاسی تغییر دادند. در آمریکای لاتین با گسترش گروه‌های چریکی و نظامی بر ضد رهبران نیابتی صاحبان منابع کلان قدرت، تغییرات دموکراتیکی با نتایج سوسیالیستی (ضدساختاری) در کشورهای همچون نیکاراگوئه، ونزوئلا، بولیوی، پرو، اروگوئه و کلمبیا شکل گرفت (Barcia, 2009: 214). ظهور این رفتارهای ضدساختاری در کشورهایی که صاحبان منابع قدرت در آنها با آزادی کامل اعمال اراده داشتند؛ زمینه تغییراتی در منابع قدرت را از جنگ سرد به دوران پس از جنگ سرد مهیا نمود. در دوران جدید ایجاد هنجارهای مشترک جهانی بین بازیگر اعمال کننده و اعمال شونده قدرت، امری بدیهی شد.

یکی دیگر از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های اعمال اراده مشروع صاحبان منابع قدرت در حوزه‌های نفوذ، رهبران جوامع

تاریخ روابط بین‌الملل دائماً شاهد تحول منابع قدرت بوده است. منابع قدرت در قرون مختلف متحول و متعالی گردیده است. سیر تحول این منابع عبارتند از: شمش طلا، تجارت استعماری، ارتش و ... (قرن ۱۶م) تجارت، بازار سرمایه، نیروی دریایی و ... (قرن ۱۷م)، صنعت، ارتش، دستگاه‌های دولتی و ... (قرن ۱۸م) همبستگی ملی، نیروی دریایی، موقعیت‌های جغرافیایی، گردش‌های مالی اعتباری، هنجارهای لیبرالی و ... (قرن ۱۹م) اقتصادهای بزرگ، نیروهای نظامی، ائتلاف‌های نظامی و اقتصادی، رژیم‌های لیبرال، ارتباطات فراملی و ... (قرن ۲۰م) ارزش‌های مشترک بین‌المللی، مراکز صنعتی و نظامی، ائتلاف‌های جهانی، فرهنگ جهانی، ارتباطات و اقتصاد جهانی، ... (قرن ۲۱م).

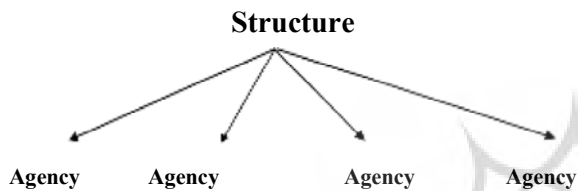
ریشه‌های اعمال اراده توسط صاحبان منابع قدرت در سده‌های مختلف تاریخی بیانگر این واقعیت است که صاحبان منابع قدرت جهت اعمال اراده مشروع، تلاش وافر داشته‌اند. این تلاش‌ها در اعصار مختلف دارای تفاوت‌های ماهیتی و روشی بوده است. بطور نمونه ریشه‌های تاریخی کنش قدرت ساختاری بر کارگزاران محلی خاورمیانه، با حضور و سلطه‌گری شوالیه‌ها و دولت‌های اروپایی، عثمانی‌ها و آمریکایی‌ها در طول تاریخ، زمینه شورش‌های مردمی در خاورمیانه را بوجود آورده است. صاحبان منابع قدرت جهت گسترش طول عمر اعمال اراده مشروع خود، در مناطق ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک جهان به اقداماتی از قبیل ایجاد طبقه بورژوازی کمپرادور (وابسته) در حوزه‌های فاقد بورژوازی مستقل دست زده‌اند. مردم مناطق خاورمیانه و آفریقا و



نظام بین‌الملل بر کارگزاران موجود (دولت‌ها) بوده و در کنش تاریخی ساختار نظام بین‌الملل کارگزاران (دولت‌ها) را ایجاد می‌نماید.

نمودار (۵) رابطه ساختار و کارگزار با ساخت قدرت اجتماعی در عصر جهانی‌شدن را نمایش می‌دهد.

نمودار شماره ۵



نتیجه‌گیری

از زوایه تئوریک، رابطه ساختار و کارگزار در سه بخش اصالت به کارگزار، اصالت به ساختار و رابطه دو سویه ساختار و کارگزار تفکیک و تشریح گردیده است. این دیدگاه‌ها در تئوری‌های نئورئالیسم، نئولیبرالیسم، سازه‌انگاری و ... به تفسیر مورد بررسی قرار گرفته است. روند آنالیز رابطه ساختار و کارگزار با انتزاع از موضوع سطح تحلیل در حوزه روابط بین‌الملل به یک متد تحلیلی پدیده‌های بین‌المللی تبدیل گردیده است.

رابطه ساختار و کارگزار براساس نوع و جنس سازه قدرت در حوزه روابط بین‌الملل متفاوت است. کنش ساختار و کارگزار در بازتفسیر سازه قدرت در عصر جهانی‌شدن تجلی می‌یابد. برابر نتایج حاصله تحقیق، اصالت در رابطه کارگزار و ساختار براساس جنس سازه قدرت هر یک از ساختارها یا کارگزاران شکل می‌گیرد. یک ساختار اجتماعی نهادینه

مختلف می‌باشد. برای درک وضعیت مناطق تحت نفوذ، صاحبان منابع قدرت باید شناخت دقیقی نسبت به فرآیندهای شکل‌گیری طبقات اجتماعی و تمایلات رهبران این طبقات حاکم در دست داشته باشند (Taylor, 1242: 2011). ظهور رهبرانی که منافع صاحبان منابع قدرت را بر منافع گروه‌های تحت رهبری خود ترجیح می‌دهند اولویت سیاست‌های کلان قدرت‌های بزرگ می‌باشد. ظهور منطقه‌گرایی در سراسر جهان پروژه مکمل جهانی‌شدن بوده است. منطقه‌گرایی در سال‌های اخیر واکنشی به جهانی‌شدن است. منطقه‌گرایی رویکرد رهبران برخی کشورها در مقابله با تهدیدات و فرصت‌های موجود عصر پساجنگ سرد است. البته پروژه اتحادیه اروپایی توسط نهادهای متنوع اروپایی و بعنوان یک روش پیگیری تصویب و ایجاد شده است. اتحادیه اروپا چهارچوبی است که از آن طریق کشورهای عضو می‌توانند در رفع چالش و ترس حاشیه‌ای شدن اقتصاد به موفقیت‌هایی برسند (Ibid, 1233). در واقع ایجاد منطقه‌گرایی نوین در عصر جهانی‌شدن زمینه اعمال اراده مشروع قدرت ساختاری نظام بین‌الملل را توجیه می‌نماید.

در کنش تاریخی ساختار و کارگزار به ساخت جهانی قدرت، شاهد غلبه تحلیل کلان به خرد هستیم. در واقع کنش تاریخی همواره به ساختار اثرگذار نظام بین‌الملل بر کارگزاران اشاره دارد. ساختار کنش تاریخی به ساخت قدرت جهانی منشعب از رویکردهای ساختار امپریالیستی حاکم بر کارگزاران تحت قیومیت این ساختارها می‌باشد. تفاوت کنش تاریخی با کنش مادی از ساخت جهانی قدرت در این نکته نمایان است که در کنش مادی رابطه ساختار

مکان‌مندی در پدیده‌های بین‌المللی، انقلاب و ارتباطات سازه‌های نوین ساختمان قدرت مورد مذاقه قرار گیرند. البته ظهور ساختارهای نوین و بازیگران جدید بین‌الملل توسط قدرت‌های بزرگ نضج و توسعه پیدا کرده است. سازه لاینفک و سرشت این قدرت‌ها بر پایه شاخص‌های مادی، نظامی و ساختارگرایانه پی‌ریزی شده است. ساخت اجتماعی، ظهور شبکه‌های ارتباطی نوین، گسترش نفوذ نگرش‌های خرد و کلان و تشدید اثر عناصر هویتی-نرم و غیرمادی در عصر جهانی‌شدن همگی دستاوردهای قدرت‌های مادی می‌باشد. کارویژه اصلی سازه‌های جدید قدرت در عصر جهانی‌شدن، دستیابی کم‌هزینه‌تر بزرگترین قدرت‌های مادی و ساختاری نظام بین‌الملل به هدف‌های از پیش تعیین شده می‌باشد. در عصر جهانی‌شدن کارگزاری که بیشترین بهره‌برداری را از سازه نرم و قدرت‌هوشمند دارد همان کارگزاری است که بیشترین منابع قدرت‌سخت را در اختیار دارد. زمانی که این کارگزار از ساختار دو قطبی قدرت در نظام بین‌الملل خارج شد، سعی نموده است که بجای اعمال اراده مشروع از طریق ساختار جدیدی در قالب سیستم بین‌الملل (مبتنی بر قواعد مصوب بین بازیگران)، به اعمال اراده مشروع در چهارچوب یک جامعه بین‌المللی (مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های مشترک بین بازیگران) دست یازد.

فهرست منابع

فارسی:

۱- روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشر روزنه.

شده، قطعاً بر کارگزاران مادی اصالت دارد. یک کارگزار دارای سازه قدرت اجتماعی نهادینه شده، بلاشک بر ساختارهای مادی در حوزه روابط بین‌الملل اصالت دارد. هر تحلیلی در حوزه نگرش به اصالت ساختار و کارگزار در عصر جهانی‌شدن سازه قدرت، متکی بر داده‌های اولیه مبنی بر جنس ساختمان کارگزار و ساختار می‌باشد. ساختارهایی که بر پایه اجزاء مادی (توان نظامی، توان اقتصادی، توان صنعتی و ...) یا معنوی (توان فرهنگی، توان ایدئولوژیک، توان اجتماعی، توان رسانه‌ای، توان هویتی و ...) شکل گرفته‌اند رویه‌های مختلفی را در برابر کارگزار صورت‌بندی می‌کنند.

در حوزه روابط بین‌الملل از دولت‌ها بعنوان مهم‌ترین کارگزاران مشروع یاد می‌کنند. به تعداد دولت‌های موجود در عرصه بین‌المللی ساختارهای درونی دولت-ملت وجود دارد. این ساختارها شخصیت و ماهیت رفتاری هر کارگزار (دولت) را شکل می‌دهد. در واقع نظام بین‌الملل مجموعه‌ای از کارگزاران و ساختارهای منحصر بفردی است که اصالت در مواجهه هریک از این‌ها منوط به بررسی سرشت و روند نضج آنها می‌باشد. نکته مهمی که برآیند بررسی‌های ساخت قدرت در این تحقیق می‌باشد در حوزه ساخت قدرت تجلی پیدا کرده است. در حقیقت وجود شاخص‌های مادی قدرت زیرساخت قطعی کسب قدرت‌های غیرمادی می‌باشد. از این جهت کارگزار و ساختار با قدرت نهادینه شده در حوزه‌های غیرمادی شکل نمی‌گیرد، مگر دارای توانایی‌های مادی قبلی باشد.

جهانی‌شدن در حوزه سیاست این بستر را فراهم کرد است تا بواسطه تکثر بازیگران بین‌المللی، زمان‌مندی و



7-Lim, Timothy (2011). How to Think about World Politics, Alternatives to Realism Constructivism. *California State University*. Los Angeles.1-42.

8-Manners, Ian (2002). Normative Power Europe: A Contradiction in Terms? *Journal of Common Market Studies*. Vol.40.

9-McDonald and Others (2007). The Achilles Heel of Liberal IR Theory? Globalization and Conflict in the Pre-World War I Era. *World Politics*. No.59.

10-Naim, Moises (2013). *The End of Power; From Boardrooms To Battlefields and Churches to States Why Being In Charge*. Press by Basic Books (Member of the Perseus Books Group) New York.

11-Skinner, Beth Hill (2011). The Need for Smart Power in Afghanistan: How Al Qaeda & the Taliban are "Outsmarting" the U.S. *Global Security Studies*. Spring2011. Vol.2.

12-Taylor, Ian (2011). South Africa Imperialism in a Region Lacking Regionalism: a Critique. *Third World Quarterly*. Vol.32. No.7.

13-Van Ham, Peter (2010). *Social Power in International Politics*. Press Routledge London and New York.

14-Whitman, Richard (2011). *Normative Power Europe, Empirical and Theoretical Perspectives*. Palgrave Macmillan.UK.

15-Wijayabahu, Kulani (2014). Strengthens and Challenges for utilizing Indian soft power: a comparative study with the United States of America. *International Journal of Scientific and Research Publications*. Vol.4.

۲- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهانی*، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

۳- مک فرسون، ملیسا و دیگران (۱۳۸۳)، *سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی*، مترجم: گروه مترجمان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی ابرار معاصر تهران.

۴- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، مترجم: حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۵- های، کالین (۱۳۸۷)، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، مترجم: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

لاتین:

1-Barcia, Manuel (2009). Locking Horns with the Northern Empire: Anti-American Imperialism at the Tricontinental Conference of 1966 in Havana. *Journal of Transatlantic Studies*. Vol.7. No3.

2-Castells, Manuel (2007). Communication, Power and Counter-power in the Network Society. *International Journal of Communication*.

3-Duarte, Érico Esteves (2013). Military Power, Financial Crisis and the International Security Panorama in the 21st Century. *Brazilian Journal of Strategy & International Relations*. ISSN 2238-6262. V.2. N.3.

4-Gallarotti, Giulio- (2010). *Cosmopolitan Power in International Relations A Synthesis of Realism, Neoliberalism, and Constructivism*. Cambridge University Press.

5-Goldsmith, Benjamin and Horiuchi Yusaku (2012). In Search Of Power Does Foreign Public Opinion Matter For U.S. Foreign Policy? *World politics*. 64. No.3.

6-Graaf, Alima and Hlawatsch, Luisa (2014). Changing Relationships of Power in an Age of Globalization Grassroots Activism against Water Privatization in Mexico. *Bachelor Cultural Anthropology*, Utrecht University.